

## احوال و آثار محمد غوث پیشاوری و بررسی ریاض الملوک

سلمی \*

محمد صابری \*\*

چکیده:

محمد غوث بن فایق قطب شاهی پیشاوری شاعر و نویسنده نامدار زبان فارسی قرن دوازدهم هجری قمری شبه قاره بود و در عهد احمد شاه درانی زندگی می کرد و به دربارش منزلت یافت و استاد شاهزاده تیمور بود. از آثارش دیوان و ریاض الملوک دیده می شود. ریاض الملوک را به شاهزاده تیمور اهدا کرد و این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، دو ریاض و یک خاتمه است، روضه اول در ذکر بعضی سلاطین سلف است و روضه دوم در بعضی امرای نامدار است، ریاض الملوک نسخه خطی منحصر به فرد دارد و این در مجموعه سید عبدالله در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود و این در امرتسر ۵ رجب ۱۲۴۹ ق تالیف شد.

واژه های کلیدی : محمد غوث، ریاض الملوک، مقدمه، دو ریاض، خاتمه و

نسخه خطی

---

\* مربی فارسی، دانشکده دولتی کارشناسی برای بانوان باغبانپوره لاهور. پاکستان

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور- پاکستان

محمد غوث شاعر و نویسنده قرن دوازدهم هجری قمری شبه قاره (پاکستان، هند و بنگلادیش) بود. پدرش محمد فایق قطب شاهی پیشاوری بود. او در زمان احمد شاه درانی (۱۱۳۴ - ۱۱۸۷ ق/ ۱۷۲۲-۱۷۷۲ م) زندگی می کرد و به دربارش منزلت یافت و استاد شاهزاده تیمور بود. درباره احوالش زیاد به دست ما نرسیده است که وی کجا به دنیا آمد و در چه سال فوت کرد و کجا مدفون است. درباره وی فقط همین معلوم است که وی خود در دیباچه کتابش نوشته است: بعد از نغمه پردازی اصول حمد و تحیت و خنیاگری میانی مدح و منقبت چنگ زبان را به مضراب مقال چنین نوا سنج احوال می سازد، که این کمترین و کهنترین خلائیق محمد غوث بن محمد فایق قطب شاهی پیشاوری به سبب ناسازی و کثرت علایق و به موجب مساعدی ایام و هجوم عوایق، قبل ازین اراده سفر هندوستان نمود، قضا را اتفاق سفر در اردوی خدیو جهان خسرو خلد مکان شاهنشاه معظم مولی ملوک الهند و العجم حضرت ظل سبحانی احمد شاه پادشاه درانی نور الله مرقدہ افتاد، تا وصول به منزل حسن ابدال از بس بی کاری و نا آشنایی تفرقه کلی به خاطر فاتر رو داد، به دل گفت که چون در راه مراد در هر قدم جانی باید نثار کرد و در هر گام سری باید فدا نمود. پس مردانه وار کمرهمت بر میان ارادت جست نموده، پای توکل در تیه طلب باید نهاد، و داد تشید و استقامت داد، به مقتضای کریمه: ان مع العسر یسرا

در دنبال هر عسری یسری است و از پس هر قبض بسطی ناگاه شخصی از آشنایان محرم و مخلصان همدم که بر صورت احوال اطلاع داشت دوچار شده خضر دار بلدیت و رهنمایی به کار برده، این کمترین را به در دولت خانه امیر الامراء العظام اسوة الکبراء الفخام انیس مجلس خاص شاهنشاهی محرم انواع راز حضرت ظل اللهی

یمین الملوك، عمدة الخواص، عضد الدولة القاهرة سراج الملة الباهرة، درة التاج فرخی و فروز مندی واسطة العقد سعادت و ارجمندی اختر برج مروت و کامگاری گوهر درج فتوت و بختیاری منبع شفقت و مهربانی مصدر مرحمت و قدر دانی نواب کامیاب معلی القاب احمد خان دُرّانی اسحق زیی میر آخور باشدی مدّظله العالی رساند، اگرچه این ذره بی مقدار را استعداد آن نبود که خود را در سلك جواهر خورشید مظاهر ملازمان عالیش منتظم گرداند و در حاشیه منشیان دودمان سامیش اعتماد و اعتبار بهم رساند، اما فیض شامل و خلق کامل و کریم الطبع حسین المحضر چنان متعهد حال و متکفل آمال گردید که تلافی عموم ایام سلف و تدارک هموم روزگار خلف به وجه احسن نمود و روز به روز و زمان در زمان این کمترین در اخلاص و اعتقاد و آن انوشه منش در اعزاز و احترام می افزود، تا آنکه رشته تعلق اشتداد و بنای اخلاص استحکام پذیرفت، فی الجملة در حینی که رایت عالیات حضرت شاهنشاه ملایک سپاه خدیو سکندر نشان دارا دربان خسرو فریدون عزت پادشاه سلیمان شوکت السلطان بن السلطان و الخاقان من الخاقان ظل ظلیل حضرت آله تیمور پادشاه خلدده الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه رونق افزایی این حدود بود، روزی خود هم کرم هنگامه اختلاط و متصدی لوازم انبساط بودیم، در آن اثنای و کلاهی عالی به این کمترین فرمودند که چون بندگان عرش آشیان این خدیو بی همال نسبت به این خانه زاد در نهایت مرحمت و غایت شفقت اند، التماس این خانه زاد اکثر به حیز قبول موصول می گردد و معروض به حسن اصغاقران می یابد، اگر درین صورت بعضی حکایات ملوک ماضی و برخی سوانح امرای گذشته که مشتمل بر نصایح و محتوی بر صالح باشند در حیز کتابت و قید تحریر در آورده شود و بهتر خواهد بود زیرا که البته هرگاه در اوقات مخصوصه و احیان مرجوه گوش گذار

بندگان ارفع اعلی گردانیده شود، از آنجا که همگی و جملگی نهمت بندگان اشرف  
همایون متوجه به معدلت اندیشی و حق پژوهی است، هر آینه موجب رفاه عامه خلایق و  
سبب مشوبت مؤلف خواهد بود، این کمترین حسب الخواش آن صاحب نعمت  
قدرشناس قدری از نقود انفس عمر عزیز درین سودا صرف و بندی از امتعه اوقات  
گرامی درین بازار به خرچ آورد و از آنجا که مزاج و هاج کثیر الابهتجاج بندگان حضرت  
خدایو گیهان مایل تصرف حق و راستی مطلق می باشد، چندان در ترتیب الفاظ و تزئین  
عبارت نکوشید و ملمع اقتراح صمصام راستی و درستی را بر رو نکشید. بیت:

ترا عادت ای پادشه حق روی است  
دل مرد حق گو اینجاقوی است  
فلانابه راه تکلف مرو  
تو حق گو و خسرو حقایق شنو

(سعدی شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۲۶)

## آثار:

### ۱. دیوان ۲. ریاض الملوک

وی کتاب ریاض الملوکبه شاهزاده تیمور اهدا کرد(نیاطبری، ۱۳۸۰ ش،

ص ۲۶۵۷) و این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، دو ریاض و یک خاتمه است.

مقدمه، در بعضی نکات موقوف علیه سلطنت و ریاضت است و روضه اول، در ذکر

بعضی سلاطین سلف است و روضه دوم، در بعضی امرای نامدار استو هر روضه مشتمل

بر چهار گلدسته یعنی عدل، مروت، سخاوت، غیرت و همت است و خاتمه آن وصایا

برای شاهان در ده سفارش است (احمد، ظهور الدین، ۱۹۷۷ م، صص ۸۸۵-۸۸۶)

### معرفی نسخه خطی:

نسخه خطی ریاض الملوک منحصر به فرد است در مجموعه سید عبدالله به شماره ۷۰۹/pei/۴۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور نگهداری می شود. (عبدالله، ۱۹۴۸م، ص ۶۲؛ منزوی، ۱۹۹۰م، ۱۰/۵۲۱) و این نسخه در خط نستعلیق است و در امرتسر ۵ رجب ۱۲۴۹ ق نوشته شده است و مشتمل بر ۸۳ برگ است.

### آغاز نسخه خطی:

.....غواصی خاصه سحرکار در قعر بحر و فکر و حیث آوردن در شاهوار حمد و ثنای ایزد کردگار، عنوان طغرای رقم ایجاد عالم و توقیع فرمان فرخنده نشان بنی نوع آدم ستایش خداوند بی مثل عدیم ماندی است که سطوت و قهرمان کارگاه سلاطین که اساطین کاخ تکوین اند، بر جلال بارگاه کبریایی او گواهی می دهد...

### انجام نسخه خطی:

.....از عنایت به غایت جناب مستطاب ایزدی جل شانہ فراغت حاصل شد از کتابت نسخه شریفه متبر که مسمی به ریاض الملوک به روز مبارک دو شنبه کاتک سودی سیمتن سمت بکرماجیتی یک هزار و هشتصد و نود مطابق پنجم رجب سنه ۱۲۴۹ یک هزار دو صد و چهل و نه هجری محمدی در اشرف البلاد شهر مقدس بنیاد سراسر نور سری رام داس نور عرف باسیوی امرت سرجو به وقت به کنم پاس روز برآمد.

### بررسی ریاض الملوک:

غوث پشاوری آغاز کتابش را با حمد و ثنای پروردگار دو عالم می کند که پروردگار همه موجودات دنیا را آفریده و تمام کاینات شان و شوکتش را گواهی می دهند و در ستایش خداوند بزرگ و برتر ایاتش نیز آورده است. مثال:

گهی از شهی داد گمر ملك را  
دهی رونق روضه با صفا  
جهان را به فرمان چندین شیون  
نگهداشتی از غیون و فتون

بعد از حمد و ثنا پروردگار، ستایش پیامبر اکرم(ص) را نیز می کند و بعد از ستایش پیامبر، استحکام قعر ایمان از تمسک به ذیل مناقب آن چهار ارکان و به ترك جستن به ذکر اوصاف خدیو کامگار خسرو خورشید و قار خلد الله ملکه و قطع منازل مقصود به نور مشعل اوصاف حضرت استاد کامل وجود را نوشته و سپس اظهار اسباب املاي این دفتر ارجمند از واردات احوال این احقر مستمند را نوشته و در مورد آن چنین نوشته است. مثال :

بعد از نغمه پردازی اصول حمد و تحیت و خنیاگری میانی مدح و منقبت چنگ زبان را به مضراب مقال چنین نوا سنج احوال می سازد که این کمترین و کهنترین خلاقی محمد غوث بن محمود فایق قطب شاهی پشاوری به سبب ناسازی و کثرة علایق و به موجب مساعدی ..... به مقتضای کریمه  
بعداً در طلب دعا از خدمت عزیزان صاحب صفا نوشته، درینجا ابیات سعدی شیرازی نقل کرده است. مثال :

باطل است آنچه مدعی گوید  
خفته را خفته کی کند بیدار

(سعدی شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۰۴)

بعد از آن فهرست کتاب و تهذیب ابواب ذکر کرده است، در اینجا می نویسد

که کتابش مشتمل بر مقدمه و دو روضه و خاتمه است.

مقدمه، در بیان بعضی نکات که موقوف علیه سلطنت و ریاست است. در اینجا ذکر کرده است که باید دانست که ارکان پادشاهی چهار است. اول پادشاه، دوم رعیت، سوم دولت، چهارم عدل و تدبیر. و می نویسد که باید دانست که پادشاه را پنج نوع سیاست لابد است: اول سیاست نفس، دوم سیاست بدن، سوم سیاست خواص، چهارم سیاست جمهور رعیت و پنجم سیاست جنگها.

در مورد سیاست نفس می گوید که باید که روز به سه بخش سازد، صباح به ذکر خدا و از نماز چاشت تا نماز پیشین به اصلاح امور عامه و آخر روز به لذت و آسودگی و باید که پیوسته به شکر حق و احسان با خلق مقید بود.

در مورد سیاست بدن می گوید که باید شهوت را قهر کند و مالک او شود نه مملوک او.

در مورد سیاست خواص می نویسد که آن سه طایفه اند. اول ضابطان مملکت، دوم ضابطان بدن، سوم اصحاب خلوت.

درباره سیاست جمهور رعیت است، باید دانست که دلهای رعایا مخزن پادشاه است. درباره سیاست جنگها است باید که يك سال متوالی از دشمن غافل نباشد و حال خود از دشمن نهان دارد و از شبخون دشمن پر حذر باشد که پادشاه برین اصناف اعتماد نکند. اول بدی که خود را به صورت نیک به مردم نماید، دوم بی دینی که او را ناسخ مذهب اعتقاد نباشد، سوم کسی که حرص برو غالب باشد، چهارم کسی که از مرتبه افتاده باشد، پنجم کسی که پادشاه او را رانده باشد، ششم گناهکاری که به مشارکت جماعتی گناهی کرده باشد، هفتم شخصی که او را به جماعتی بند کرده

باشد، هشتم دشمنان و حاسدان که اکفا باشند، نهم آن کس که متصرر شود، دهم مضر دزد فاقه زیرا که چنین کس دوست ندارد، یازدهم آن کس که از دشمنان پادشاه امیدوار تر باشد، دوازدهم آن کس که از دشمن ستم دیده باشد.

وی می گوید که باید دانست که تدبیر پادشاهی از چهار طریق بیرون نیست.

اول طریق عقل؛ دوم طریق جود؛ سوم طریق سیاست و چهارم طریق خرم .

وبیشتر می گوید باید دانست که آنکه پیوسته با تدبیر است، او را شش چیز

حذر باید کرد . مثال :اول وزیر غیر کافی که وزیر غیر کافی خلل در ملک پدید میآید.

دوم مشورت کردن با غیر امین که در هلاک خود سعی کردن است، سوم استعانت از غیر

مستقل که کار خود به زبان بردن است، چهارم سر خود گفتن با غیر معتمد که سر خود

ضایع کردن است، پنجم ضایع کردن مرد عاقل که دلیل ضعف عقل است . ششم با

جاهل نیکویی کردن که اظهار جهل خود کردن است.

وی این اقسام را به هفت قسم تقسیم کرده است . اول خدا پرستان، دوم

حکیمان، سوم عالمان، چهارم خداوندان شرف و نسب، پنجم ارباب لشکر، ششم

بازاریان و هفتم اهل سباق.

وی قسمی دیگر به سه قسم تقسیم کرده است، مثلاً اول اخیار، دوم اشرار ارازل

و سوم متوسطان.

وی برای رعیت لازم می داند، این است، مثال :اول باید که تتبع و جست

و جوی پادشاه نمایند، دوم نصیحت به پادشاه نگوید، سوم در نظر پادشاه تحسین عدل

کند، چهارم چون ظلمی بر ایشان واقع شود به پادشاه عرضه کنند، پنجم به واسطه

پادشاه شادی در خاطر ایشان در آید اظهار کند ، ششم چون به پادشاه غمی پیش آید در



آن شریک باشند، هفتم در هیچ امری از امور مخالفت پادشاه نکنند. وی اقسام عدل را نیز چنین مطرح کرده است، مثال: اول آنچه خدای تعالی به بندگان تعلق دارد، دوم آنچه حق بعضی مردم بر بعضی تعلق دارد، سوم آنچه به حقوق گذشتگان تعلق دارد.

### روضه اول:

در ذکر بعضی از سلاطین سلف و خلف است و این روضه مشتمل بر چهار گلدسته است و هر گلدسته مشتمل بر حکایات است. گلدسته اول در عدل، گلدسته دوم در مروت، گلدسته سوم در سخاوت و گلدسته چهارم در غیرت و همت.

### گلدسته اول:

این گلدسته درباره عدل است و درین هیجده حکایت از زمان مختلف نوشته شده است و این حکایات از کتابهای روضه الصفا، روضه الاحباب، اکبرنامه، واقعات شیرشاهی، واقعات اکبری، اقبال نامه جهانگیری و شاهنامه شاهجهانی و غیره گرفته شده است و در این گلدسته عهدهای خلافت حضرت داؤد (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت عثمان (رضی)، جلال الدین اکبر پادشاه، شیر شاه افغان، گیتی خدیو، کیوک خان از اولاد چنگیز خان، جهانگیر پادشاه، شهاب الدین محمد شاهجهان پادشاه، داراشکوه، نواب احمد خان درانی اسحق زبی، تیمور پادشاه و غیره ذکر شده است.

### گلدسته دوم:

این گلدسته درباره سخاوت است و درین گلدسته ده حکایت درج شده است و این حکایات از کتابهای تواریخ اهل هند، روضه الصفا و غیره نقل شده است و

زمانهای سلطان محمد بن سلطان غیاث الدین تغلق شاه، شاه اسمعیل صفوی، مهدی منصور، مامون، صاحبقران ثانی شاهزاده عالمگیر، قطب الدین بهادر شاه، احمد شاه درانی، تیمور پادشاه و غیره را ذکر کرده است .

### **گلدسته سوم:**

این گلدسته درباره مروت است و درین گلدسته پنج حکایت نوشته شده است و این حکایات از کتابهای روضة الطاهرین و غیره نقل شده است و درین حکایات زمان مختلف یعنی علی عادل بن علی ابراهیم عادل، حضرت اورنگ زیب عالمگیر، شاه عباس، نواب احمد شاه درانی، تیمور پادشاه و غیره را ذکر کرده است.

### **گلدسته چهارم :**

این گلدسته در مورد همت و غیرت است و این مشتمل بر یازده حکایت است و این حکایات از کتابهای روضة الطاهرین، تذکره دولت شاهی، و غیره گرفته شده است و از زمان مختلف بهرام گور، امیر تیمور گورکان، اورنگ زیب عالمگیر، بهادر شاه، حضرت سلیمان (ع) و غیره ذکر شده است .

### **روضه دوم :**

در ذکر بعضی امرا است و این روضه مشتمل بر چهار گلدسته است . گلدسته اول در عدل، گلدسته دوم در سخاوت، گلدسته سوم در مروت و گلدسته چهارم در غیرت و همت است.

### **گلدسته اول :**

این در مورد عدل است و درین یازده حکایت نوشته شده است و این از کتابهای تاریخ محمد قاسم فرشته، سراج القلوب، اخبار ابرار و غیره نقل کرده است و از

زمان سلطان محمد شاه، احمد شاه درانی، تیمور پادشاه و غیره نقل شده است.

### **گلدسته دوم:**

درباره سخاوت است و در این گلدسته شش حکایت ذکر شده است و این از کتابهای روضة الطاهرین و غیره استفاده گرفته شده است و از زمان اورنگ زیب عالمگیر، پادشاه گجرات مظفر شاه، خانخانان و غیره نقل شده است.

### **گلدسته سوم:**

این گلدسته درباره مروت است و درین چهار حکایت نوشته شده است و از زمان شهاب الدین محمد شاهجهان پادشاه، سردار جهانخان فوفلزئی، محمد نشان خان الکوزی و غیره نقل شده است.

### **گلدسته چهارم:**

درباره غیرت و همت است و این گلدسته مشتمل بر پنج حکایت است و این حکایات از کتابهای تاریخ هندی و غیره نقل شده است و درین از زمان احمد شاه درانی، محمد نشان خان الکوزی و غیره نقل شده است.

**خاتمه:** در بعضی امور لاچاری و وصایا است.

پادشاه را از ده مخصوص یعنی حاکم عادل، وزیر عامل، کاتب عارف، حاجب عاقل، عامل کافی، مال بسیار، اخوان و انصار، طبیب حاذق، صاحب طعام و لشکر قوی لازم است.

### **وصایا:**

ازین شانزده آفت احتراز باید کرد. اول: شاه بدی سیرت، دوم: وزرا حیثت، سوم: لشکر مخالفت مهتران، چهارم: امرای مفارقه اطاعت، پنجم: رعیت ضعیف

سیاست، ششم: علما حب ریاست، هفتم: قضاات شدت طمع، هشتم: عدول قلت ورع، نهم: ملك دشمنی حامیان، دهم: عدل میل والیان لا لالا، یازدهم: رای ضایع کردن خرم، دوازدهم: قوت خصم را ضعیف داشتن، سیزدهم: محل عوایق قضا، چهاردهم: محبت عتاب بسیار، پانزدهم: منعم درشتی منت، شانزدهم: مذنب بدگمانی.

### کتاب شناسی و منابع:

- احمد، ظهور الدین (۱۹۷۷م) پاکستان مین فارسی ادب، انتشارات اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب، لاهور
- سعدی شیرازی (۱۳۷۹ش) بوستان (سعدی نامه)، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران
- همو (۱۳۷۴ش) گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران
- طبری، فتح نیا (۱۳۸۰ش) محمد غوث پیشاوری دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، به سرپرستی حسن انوشه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- غوث محمد (۱۲۴۹ق) ریاض الملوك (نسخه خطی)، شماره 709/pei/43، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور
- منزوی، احمد (۱۹۹۰م) فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد
- Abdullah S.M M.A D, (1942), A Descriptive Catalogue of the Persian, Urdu and Arabic Manuscripts in the Punjab University Library, Lahore.